الله متعال اموال بنی نضیر را بدون اینکه مسلمانان اسب و شتری بدوانند (جهاد کنند) به رسول الله صلی الله علیه وسلم عنایت فرمود.

از عمر بن خطاب رضی الله عنه روایت است که می گوید: الله متعال اموال بنی نضیر را بدون اینکه مسلمانان اسب و شتری بدوانند (جهاد کنند) به رسول الله صلی الله علیه وسلم عنایت فرمود. در نتیجه، آن اموال به رسول الله صلی الله علیه وسلم اختصاص یافت. و ایشان نفقه ی یکسال خانواده اش را جدا کرده و بقیه را صرف تهیه ی سلاح، اسب و آمادگی برای جهاد در راه الله نمود.

[صحیح است] [متفق علیه]

زمانی که رسول الله صلی الله علیه وسلم به مدینه مهاجرت نمود، گروه هایی از یهودیان را در اطراف مدینه مشاهده کرد؛ و با آنها عهد و پیمان بست که بر دین شان باقی بمانند و با او وارد جنگ نشوند و دشمنی را علیه او یاری نکنند. در این میان یکی از صحابه به نام عمرو بن امیه ضمری رضی الله عنه دو تن از بنی عامر را با این تصور می کشد که آنها از دشمنان مسلمانان هستند. و رسول الله صلی الله علیه وسلم دیه ی آنها را می پردازد و نزد روستای بنی نضیر می رود و از آنها برای پرداخت دیه ی این دو نفر کمک می گیرد؛ در این هنگام که رسول الله صلی الله علیه وسلم در انتظار یاری آنها در یکی از بازارهای بنی نضیر نشسته است، متوجه می شود که آنها پیمان شان را شکسته و قصد کشتن ایشان را دارند؛ و وحی نازل شده و رسول الله صلی الله علیه وسلم را از خیانت آنها خبر می دهد؛ بنابراین با القای این تصور به آنها و اصحابش که برای قضای حاجت می رود، روستای آنها را به سوی مدینه ترک می کند؛ زمانی که اصحاب متوجه دیر کردن رسول الله صلی الله علیه وسلم می شوند، به دنبال ایشان می روند که رسول الله صلی الله علیه وسلم از خیانت یهود به آنان خبر می دهد. بنابراین شش روز روستای آنها را محاصره می کنند تا اینکه توافق می کنند به سوی شام و حِیرَه و خیبر تبعید شوند؛ و به این ترتیب بدون مشقتی که متوجه مسلمانان شود، الله متعال اموال شان را به رسول الله صلی الله علیه وسلم عنایت نمود؛ و مسلمانان برای این اموال هیچ اسب و شتری نتاختند. بنابراین اموال بنی نضیر به الله و رسولش تعلق گرفت؛ و رسول الله صلی الله علیه وسلم بخشی از آنها را به عنوان قوت یکسال خانواده اش ذخیره کرد و اموال باقی مانده را صرف مصالح عمومی مسلمانان نمود که در آن وقت مهمترین مصلحت، آمادگی برای جهاد بود و تهیه ی اسب و سلاح از هر چیزی ضروری تر بود. و هر زمان مصالح خود را می طلبد.

http://www.sunnah.global/hadeeth/fa/show/2983